

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۱۵

علی اشرف نظری*

حیدر شهریاری**

احد نوری اصل***

چکیده

اهمیت روزافزون ابعاد اقتصادی جهانی‌شدن و تلاش برای سوق دادن اقتصادهای دولتی و متمرکز به سمت اقتصادهای باز و وجود دولت‌های رانتیر در حوزه خلیج فارس، موضوع حایز اهمیتی است که توجه به آن می‌تواند بسیاری از مسایل مهم منطقه را برای ما نمایان سازد. بررسی اوضاع اقتصادی شش کشور کویت، امارات، قطر، عربستان، عمان و بحرین با الگوی تحلیلی دولت رانتیر، و تحلیل تأثیرات جهانی‌شدن در چهار بعد کاهش حجم دولت، آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بر اوضاع اقتصادی این منطقه، موضوع اصلی مقاله حاضر را شکل می‌دهد. فرضیه مقاله آن است که دولت‌های عرب در خلیج فارس با وجود درآمدهای سرشار از منابع رانتی، تحت تأثیر پدیده جهانی‌شدن اقتصاد، در راستای کاهش حجم دولت و تلاش برای برقراری یک اقتصاد باز اقدام نموده‌اند. با توجه به مطالب فوق، چهار شاخص را می‌توان برای جهانی‌شدن ذکر کرد: کاهش حجم دولت، آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی.

کلیدواژه‌ها: خلیج فارس، جهانی‌شدن، اقتصاد رانتی، خصوصی‌سازی، سرمایه‌گذاری خارجی.

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

*** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

مقدمه

در تعریف جهانی شدن بیش از هر چیز مفهوم و جنبه اقتصادی آن غلبه دارد تا ابعاد دیگر آن. دلیل آن هم ناشی از تکامل یافتگی بیشتر بعد اقتصادی جهانی شدن بر سایر ابعاد و جنبه‌ها و تقدم زمانی و وقوع آن است.^۱ جهانی شدن اقتصاد را می‌توان به معنای گشوده شدن مرزها، توسعه تجارت و سرعت بخشیدن به تحولات فناورانه در جهت بهره‌وری هرچه بیشتر اقتصادی دانست. در جهان امروز هیچ کشوری قادر نیست در حصارکشی اقتصادی دوام بیاورد. تمام جنبه‌های اقتصادی یک کشور با اقتصاد سایر کشورها ارتباط پیدا کرده است. این ارتباط به شکل نقل و انتقالات بین‌المللی کالاها و خدمات، کارگر، واحدهای تولید، منابع سرمایه‌ای و فناوری است. در واقع بین‌المللی شدن بازارهای ملی و بازارهای کالا، همراه با دسترسی سریع به اطلاعات باعث شده است آنچه در یک کشور به‌ویژه در یک کشور بزرگ روی می‌دهد، به سرعت و با شدت در کشورهای دیگر احساس شود.

یکی از اهداف بنیادین جهانی شدن در عرصه اقتصاد، از میان رفتن مرزهای اقتصادی و حذف موانع حقوقی و قانونی در کشورهاست، به گونه‌ای که سرمایه‌ها به صورت آزاد در گردش درآیند. دومین اثر آن حذف موانع و مرزهای گمرکی و جهانی شدن رقابتهاست. آنچه در راستای مبحث مذکور در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت، پرداختن به سه مساله اساسی است: الف. وضعیت اقتصادی کشورهای عرب خلیج فارس چگونه است؟ ب. شاخص‌های اقتصاد جهانی مبین ظهور چه روندهایی در سطح اقتصاد جهانی هستند؟ و ج. کشورهای حوزه خلیج فارس نسبت به این شاخص‌ها چگونه عمل کرده‌اند؟

فرضیه مقاله حاضر آن است که «دولت‌های عرب در خلیج فارس با وجود درآمدهای سرشار از منابع رانتی، تحت تأثیر پدیده جهانی شدن اقتصاد، در راستای کاهش حجم دولت و تلاش برای برقراری یک اقتصاد باز اقدام نموده‌اند.» با توجه به مطالب فوق چهار شاخص را می‌توان برای جهانی شدن ذکر کرد: کاهش حجم دولت، آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی. در گفتار اول، وضعیت کلی کشورهای خلیج فارس در این خصوص مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پس از آن در گفتار دوم، تلاش خواهد شد به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داده شود.

اقتصاد نفتی منطقه: دولت رانتیر و پیامدهای آن

رانت در فرهنگ انگلیسی به معنای اجاره، اجاره کردن و به اجاره رفتن است و رانتیر به کسی می‌گویند که با عواید مستغلات و پول خود امرار معاش می‌کند. رانت در علم اقتصاد، به اجاره زمین و اجاره‌بها اطلاق می‌گردد. به‌طور کلی هرگونه درآمدی که حاصل کار و تلاش تولیدی نباشد، تحت عنوان رانت نام‌گذاری می‌شود.^۲ با این تعریف، دولت رانتیر دولتی است که قسمت عمده‌ای از درآمدهای خود را از طریق فروش مواهب طبیعی (مثل نفت) به خارج و به شکل رانت دریافت می‌کند. تعاریف متعددی از رانت اقتصادی ارایه می‌شود که به‌رغم تفاوت‌های شکلی همگی گویای مفهومی واحد هستند؛ از جمله:

الف. رانت به معنای درآمد مازاد بر هزینه فرصت از دست‌رفته و یا اضافه درآمد یک عامل تولید نسبت به درآمد همان عامل تولید در شرایط رقابت کامل است؛
ب. پرداخت به یک عامل تولید که عرضه آن نسبت به اندازه پرداخت لازم برای استفاده از آن بدون کشش باشد را رانت اقتصادی می‌گویند؛

د. منظور از رانت اقتصادی، انتقال درآمد به افراد یا گروه‌هایی که از جامعه به‌خاطر توان بالقوه آنها در ایجاد محدودیت در فعالیت اقتصادی دیگران است. از دهه ۱۹۶۰ و توسط کسانی مانند بوکانان و کروگر، علت اصلی رانت، مداخله دولت قلمداد می‌شود.

بیلاوی در بررسی مفهوم دولت رانتیر به چند شاخص اساسی اشاره دارد:

۱. دولتی رانتیر است که بخش عمده‌ای از درآمدهای خود را از طریق یک رانت به‌دست می‌آورد. آستانه این نوع درآمدها ۴۲ درصد از کل درآمدهای دولتی است. بنابراین هر کشوری که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمدهایش را رانت خارجی تشکیل دهد، رانتیر است.

۲. این رانت باید منشاء خارجی داشته باشد؛ یعنی ارتباطی با فرآیندهای تولیدی نظام اقتصادی نداشته باشد.

۳. در این دولت تنها درصد کمی از نیروی کار درگیر تولید رانت است و اکثر جامعه دریافت‌کننده رانت و تعدادی نیز توزیع‌کننده رانت هستند.

۴. این دولت به‌عنوان تنها دریافت‌کننده رانت نقش اصلی را در هزینه کردن آن دارد.^۳

پیامدهای پیدایی رانت‌جویی در اقتصاد

پیامدهای پیدایی رانت‌جویی ناشی از مداخلات دولت که همان عدم کارایی و شکست دولت در اقتصاد می‌باشد را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

۱. **اختلال ارتباط بین تولید و توزیع:** در یک اقتصاد سالم باید ارتباط مستقیمی بین فعالیت‌های مولد و توزیع درآمدها برقرار باشد. اما برخی از مداخلات دولت، باعث ایجاد رانت شده و شیوه‌های کسب درآمد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این سیاست‌ها غالباً به‌منظور توزیع مجدد درآمدها اعمال می‌شوند، اما به دلیل گسترش حیطه فعالیت دولت و وجود امتیازاتی که احتمال دسترسی و برخورداری از اطلاعات و موقعیت‌های استثنایی را برای برخی از افراد فراهم می‌سازد، رانت به‌وجود می‌آید و این رانت تولیدی، رقابت‌های رانت‌طلبانه را برمی‌انگیزد. در این هنگام دوری یا نزدیکی به منبع تولید رانت است که نحوه توزیع درآمدها را تعیین می‌کند نه فعالیت‌های مولد و چگونگی برخورداری و به‌کارگیری عوامل. بدین‌سان ارتباط بین تولید و توزیع مختل شده و سازوکار انگیزشی به‌شدت تحت تاثیر رانت قرار می‌گیرد.

۲. **ایجاد گروه‌های فشار و لابی برای سهم بیشتر:** دخالت‌های دولت در اقتصاد با اهداف غالب خیرخواهانه و با اعمال ضوابط و قوانینی در جهت هدف مورد نظر، صورت می‌گیرد. اما خواسته یا ناخواسته، این قوانین و مقررات دارای منافع و مزایایی خاص، برای گروهی و ضررهای بسیاری برای افراد دیگر (همه) جامعه می‌باشد. این امر به معنای ساده خود، ایجاد رانت می‌کند؛ چراکه بر مبنای اهداف خاص دولت‌مردی خاص، برای یک عده، باد آورده‌ای ایجاد می‌کند که متعلق به آنها نبوده است. این جریان، انگیزه‌ای قوی برای شکل‌گیری گروه‌های فشار به‌شمار می‌رود. گروه‌های فشار با نفوذ در لایه‌های تصمیم‌گیری و یا با مهم جلوه دادن منافع خود برای کل اقتصاد به سیاست‌مداران و قانون‌گذاران، سعی می‌کنند برای کاهش ضرر احتمالی و یا افزایش منافع ممکن تلاش کرده و سهم بیشتری از منافع اقتصاد و کشور را نصیب خود نمایند.

۳. **بروز بی‌ثباتی در قوانین:** در اقتصادی که از دولتی فعال و بزرگ برخوردار است، دخالت‌های دولت در سازوکار تخصیص و توزیع و پیدایش رانت‌های مرتبط با این دخالت‌ها منجر به تعدد تصمیمات و سیاست‌ها خواهد شد؛ چرا که گروه‌های دارای انگیزه‌های اقتصادی متفاوت

با منافع متضاد، برای کسب رانت به رقابت می‌پردازند و تناقض اهداف آنان موجب بروز بی‌ثباتی در قوانین و قراردادهای خواهد شد و تعدد و تغییر قوانین به‌نوبه خود دارای هزینه‌های اجتماعی است و امنیت اقتصادی را تحلیل می‌برد و بی‌ثباتی اقتصادی را به دنبال دارد که از موانع عمده توسعه به‌شمار می‌رود.^۴

۴. انتقال منبع قدرت، مشروعیت و اقتدار از داخل به محیط خارج: دولت به‌جای اینکه دغدغه‌های درونی داشته باشد، بیشتر نگران محیط بیرونی است. نمونه بارز این مساله را می‌توان در واردات شکر توسط دولت‌های رانتیر دانست. در این دولت‌ها برای اینکه رضایت قدرت‌های خارجی به‌دست بیاید، مساله واردات، حتی به ضرر کشاورزان داخلی، بسیار جدی گرفته می‌شود.

۵. تغییر در کارویژه دولت: به جای اینکه دولت تامین‌کننده امنیت و ایجادکننده قوه قضاییه مستقل و حافظ قراردادهای و تعهدات باشد، خودش به‌عنوان یک بازیگر اقتصادی وارد عرصه نظام اقتصادی می‌شود و هدایت برنامه‌ها را به عهده می‌گیرد که نتیجه این امر هم مختل شدن نظم اقتصادی است؛ نمونه بارز این امر کارویژه دولت در باب واردات کالاهای لوکس و مواد غذایی مورد نیاز طبقه جدید نوظهور مثل بوروکرات‌ها و نظامیان است که باعث ورشکست شدن صنایع داخلی می‌شود.

۶. تخریب بخش کشاورزی: این بخش به‌دلایل زیر و در عمل با مشکل مواجه می‌شود:

۱. واردات کالاهای لوکس خارجی؛ ۲. جاذبه‌های زندگی شهری در سایه بسط صنایع بزرگ مقیاس؛ که این امر مهاجرت روستاییان به شهر را فراهم می‌کند و در نتیجه واردات نیز تولیدات داخلی به‌شدت تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

چشم‌انداز اقتصادی منطقه

اگر فقدان بروژوازی ملی عامل شکل‌گیری دولت پاتریمونیال در کشورهای عرب خلیج فارس بوده، نفت عامل تداوم‌دهنده این ساختار استبدادی شده است. به‌طور کلی، ویژگی خاندان‌های حاکم منطقه دارای دو مشخصه عمده است: نخست اینکه، نفت در کنترل نخبگان حاکم است؛ و دوم اینکه، نخبگان حاکم از این نفت برای جلب همکاری و نظارت و کنترل جامعه استفاده

می‌نمایند تا در نتیجه، ثبات دولت را حفظ کنند. در نتیجه این دو عامل یک قدرت انحصاری به دولت‌های این منطقه داده و آنها را از جامعه مستقل نگه داشته است.^۵

با توجه به آنچه در مورد دولت‌های رانتیر مطرح گردید، در ادامه به بررسی وضعیت اقتصادی شش کشور عرب حوزه خلیج فارس پرداخته خواهد شد. اوضاع اقتصادی منطقه و تکیه دولت‌های آن به نفت ویژگی بارز اقتصادی این منطقه بوده است، اما در سال‌های اخیر کشورهای فوق گام‌هایی را در جهت و گذار به اقتصاد باز برداشته‌اند و به عبارت دیگر، ترسیم برنامه‌ها و روند و چشم‌انداز اقتصاد سیاسی این دولت‌ها نشانگر حرکت به سمت و سوی تنوع‌سازی اقتصادی و نه اتکای شدید به نفت است. برای سهولت در فهم اقتصادی منطقه خلیج فارس، وضعیت فعلی اقتصادی شش کشور عربستان، بحرین، قطر، کویت، امارات متحده عربی و عمان مورد بررسی قرار گرفته و سپس سعی خواهیم کرد روند گذار و تلاش دولت‌های این منطقه به سمت اقتصاد بازاری یا باز را توضیح و تشریح نماییم.

عربستان سعودی

عربستان سعودی دارای یک اقتصاد نفتی با کنترل شدید حکومت بر فعالیت‌های اقتصادی است. این کشور حدود ۲۰ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان را در اختیار دارد، که در ردیف بزرگ‌ترین صادرکننده نفت محسوب می‌شود و نقش مهمی در اوپک ایفا می‌کند. بخش نفتی حدود ۸۰ درصد درآمدهای بودجه، ۴۵ درصد GDP و ۹۰ درصد عواید صادراتی در این کشور را تشکیل می‌دهد. این کشور رشد بخش خصوصی را به منظور تنوع بخشیدن به اقتصاد خود و به کار گرفتن شهروندان بیشتری تشویق می‌کند. تلاش‌های تنوع بخشی این کشور (در زمینه اقتصاد) بر تولید انرژی، ارتباطات از راه دور، بهره‌برداری از گاز طبیعی و بخش‌های پتروشیمی متمرکز است. تقریباً شش میلیون کارگر خارجی نقش مهمی در اقتصاد این کشور، به خصوص بخش‌های خدماتی و نفتی بازی می‌کنند و این در حالی است که ریاض در تلاش است بی‌کاری را برای شهروندان خود کاهش دهد. به خصوص آنکه مقامات رسمی سعودی بر استخدام جمعیت زیاد جوان خود تاکید دارند و این در حالی است که به طور کلی، این جمعیت از مهارت‌های

تکنیکی و آموزشی که بخش خصوصی بدان نیازمند است، بی‌بهره‌اند. اخیراً ریاض به‌طور اساسی در زمینه آموزش و تربیت شغلی - با گشایش دانشگاه علم و فناوری ملک عبدالله و اولین دانشگاه مختلط عربستان سعودی - هزینه‌های خود را افزایش داده است. به‌عنوان بخشی از تلاش‌های خود برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، این کشور در دسامبر ۲۰۰۵ و پس از سال‌ها مذاکره به سازمان تجارت جهانی پیوست. حکومت به‌منظور افزایش سرمایه‌گذاری خارجی آغاز به ساختن شش شهر اقتصادی در مناطق مختلف کشور نموده و درصدد است بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، ۳۷۳ میلیارد دلار در زمینه توسعه اجتماعی و پروژه‌های زیربنایی برای پیشرفت اقتصاد خود هزینه نماید.

کویت

کویت از لحاظ جغرافیایی کوچک اما دارای اقتصادی نسبتاً ثروتمند و باز همراه با ذخایر نفتی در حدود ۱۰۲ تریلیون بشکه است که حدوداً نه درصد ذخایر جهان را تشکیل می‌دهد. نفت این کشور تقریباً نیمی از GDP، ۹۵ درصد عواید صادراتی و ۹۵ درصد درآمد حکومت را تشکیل می‌دهد. مقامات کویت درصددند تولید نفت را تا سال ۲۰۲۰ به ۴ میلیون بشکه در روز افزایش دهند. افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۱۰ مصرف حکومت و رشد اقتصادی آن را تجدید کرد؛ چرا که کویت افزایشی ۲۰ درصدی در درآمد بودجه حکومت خود را تجربه کرد. کویت تلاش اندکی را به‌منظور تنوع بخشیدن به اقتصاد خود انجام داده که بخشی از آن به‌دلیل وضعیت ملی مثبت خود و بخشی هم به‌خاطر شرایط تجاری بد و روابط تیره بین مجلس و قوه مجریه بوده است؛ چرا که این امر بسیاری از جهش‌ها به سوی اصلاحات اقتصادی را مانع شده است. با وجود این، حکومت در می ۲۰۱۰ لایحه خصوصی‌سازی را به تصویب رساند که به حکومت اجازه می‌دهد دارایی‌ها را به سرمایه‌گذاران خصوصی بفروشد و در ژانویه همان سال طرح توسعه اقتصادی را به تصویب رساند که بر مبنای آن دولت متعهد می‌شود بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار در پنج سال برای تنوع بخشی به اقتصاد هزینه نماید و سرمایه‌گذاری بیشتری را جذب و مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد را تقویت نماید. افزایش هزینه‌های حکومت در چارچوب زمان مقرر تا این میزان ممکن است مشکل باشد تا به اجرا در آید.

بحرین

بحرین یکی از متنوع‌ترین اقتصادها در خلیج فارس است. امکانات ارتباطی و ترابری بسیار پیشرفته در زمینه تجارت بحرین، بسیاری از شرکت‌های چندملیتی را به آنجا کشانده است. به‌عنوان بخشی از پروژه‌های گوناگون بحرین می‌توان به توافق‌نامه آزاد تجاری بحرین (FTA) با ایالات متحده در سال ۲۰۰۶ اشاره کرد که اولین موافقنامه بین ایالات متحده و یک دولت خلیجی بود. با این حال، اقتصاد بحرین به‌طور فزاینده‌ای به نفت متکی است. تولید و تصفیه نفت بیش از ۶۰ درصد عواید صادرات بحرین، ۷۰ درصد درآمدهای دولت و ۱۱ درصد GDP (به‌استثنای صنایع مشترک) را تشکیل می‌دهد. دیگر فعالیت‌های بزرگ اقتصادی بحرین تولید آلومینیوم - که بعد از نفت از بزرگ‌ترین صادرات است - سرمایه‌گذاری و امور زیربنایی است. بحرین با مالزی به‌عنوان مرکز جهانی بانکداری اسلامی در رقابت است و در جستجوی تولیدات گاز طبیعی به‌عنوان یک ماده خام است تا پشتوانه‌ای را برای صنایع گسترده آلومینیوم و پتروشیمی خود پیدا کند. از طرف دیگر بی‌کاری، به‌خصوص بین جوانان، یک مشکل اقتصادی درازمدتی است که بحرین با آن روبه‌رو است. در سال ۲۰۰۹ بحرین به‌منظور پایین آوردن بی‌کاری میان شهروندان خود با افزایش هزینه استخدام کارگران خارجی، نیاز خود را به کارگران خارجی کاهش داد. بحران مالی جهان باعث شد سرمایه‌گذاری در بسیاری از پروژه‌های غیرنفتی کاهش یابد که نتیجه این امر رشد کمتر اقتصاد بحرین بود. دیگر چالش‌هایی که در مقابل بحرین است، کاهش رشد بدهی حکومت در نتیجه یک برنامه کمک مالی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگ دولتی و بازسازی بدهی‌هایی همچون کمک دولت به فضای هوایی خلیج فارس است.

قطر

قطر به‌رغم بحران مالی جهانی در چند سال اخیر پیشرفت نموده است. در سال ۲۰۱۰ قطر بیشترین نرخ رشد جهان را داشته است. مقامات قطر در طول بحران اخیر جهانی در تلاش بودند با سرمایه‌گذاری مستقیم در بانک‌های داخلی، بخش بانکداری محلی را محافظت و حمایت نمایند. GDP قطر در سال ۲۰۱۰ به‌طور فزاینده‌ای در نتیجه افزایش قیمت نفت به حال اول

خود بازگشت. سیاست اقتصادی قطر بر اساس ذخایر گاز طبیعی و خصوصی سازی در حال رشد و سرمایه گذاری در بخش های غیر انرژی است، با این حال نفت و گاز هنوز بیش از ۵۰ درصد GDP، تقریباً ۸۵ درصد درآمدهای خارجی و ۷۰ درصد درآمدهای حکومت را تشکیل می دهد. نفت و گاز تقریباً قطر را - بعد از لیختنشتاین - به دومین کشور از لحاظ درآمد سرانه و با کمترین بی کاری تبدیل نموده است. ذخایر نفتی اثبات شده ۲۵ میلیارد بشکه ای آن می بایست تداوم تولید آن در سطوح فعلی را تا ۵۷ سال در برگیرد. همچنین ذخایر اثبات شده گاز طبیعی آن بیش از ۲۵ تریلیون مترمکعب برآورد شده است که حدود ۱۴ درصد کل ذخایر جهان را تشکیل می دهد و از این لحاظ آن را به سومین رتبه در جهان تبدیل نموده است. برگزاری جام جهانی ۲۰۲۲ احتمالاً ساخت پروژه های زیربنایی عظیم قطر همچون سیستم مترو قطر و جاده قطر - بحرین را تسریع خواهد بخشید.

امارات متحده عربی

ایالات متحده عربی دارای اقتصادی باز با درآمد سرانه بالا و تولید سالانه تجاری است. تلاش های موفقیت آمیزی در زمینه تنوع سازی اقتصادی سهم GDP را که بر اساس درآمد گازی و نفتی است، به ۲۵ درصد کاهش داده است. پس از کشف نفت در این کشور در سی سال پیش، امارات متحده عربی از یک منطقه فقیر و امیرنشین های کوچک و بیابانی به یکی از دولت های مدرن با استانداردهای بالای زندگی تبدیل شده است. حکومت هزینه های خود را به منظور ایجاد کار و توسعه زیرساخت ها افزایش داده و تسهیلاتی را برای کمک به اشتغال بخش خصوصی قوی تر مهیا نموده است. در آوریل ۲۰۰۴ امارات متحده عربی توافق نامه سرمایه گذاری و تجاری با واشنگتن را به امضا رساند و در نوامبر ۲۰۰۴ با مذاکراتی در خصوص توافق نامه آزاد تجاری با ایالات متحده موافقت کرد، با این حال مذاکرات فوق هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است. مناطق تجاری آزاد این کشور - با ۱۰۰ درصد مالکان خارجی با مالیات صفر - به جذب سرمایه گذاری خارجی کمک می کند. بحران مالی جهان، اقتصاد کساد بین المللی و کاهش قیمت دارایی ها، اقتصاد آن کشور را در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ دچار رکود کرد. مقامات امارات متحده سعی

نمودند با افزایش هزینه و نقدینگی در بخش بانکداری بحران را کنترل نمایند. بحران بر دبی به شدت تاثیر گذاشت؛ چرا که به نظر می‌رسید این امر قیمت املاک را کاهش می‌دهد. دبی از پول کافی برای برآوردن تعهدات مربوط به بدهی خود برخوردار نبود و بدین صورت نگرانی جهانی را نسبت به وضعیت بد خود جلب می‌نمود. بنابراین، بانک مرکزی امارت متحده عربی و بانک‌های ابوظبی بزرگ‌ترین سهام‌ها را خریدند. در دسامبر ۲۰۰۹، دبی وام اضافی ۱۰ میلیارد دلاری را از امیر ابوظبی قرض گرفت. در حال حاضر انتظار می‌رود اقتصاد این کشور احیای کندی داشته باشد. وابستگی به نفت، کارگران تبعیدی زیاد و فشارهای تورمی در حال افزون، چالش‌های درازمدتی را مقابل آن کشور قرار داده است. در سال‌های پیش رو طرح‌های راهبردی امارات متحده عربی بر تنوع‌سازی و افزایش فرصت‌ها برای شهروندان از طریق آموزش بهتر و استخدام از طریق بخش در حال رشد خصوصی متمرکز است.

عمان

عمان از یک نظام اقتصادی برخوردار است که به شدت به استخراج منابع نفتی متکی است. مسقط به‌خاطر کاهش ذخایر خود به‌طور فعالانه یک طرح توسعه‌ای را دنبال می‌کند که بر تنوع‌سازی، صنعت‌سازی و خصوصی‌سازی با هدف کاهش سهم نفت از GDP تا ۹ درصد در سال متمرکز است. صنایع گازی و ترویسیم از اجزای اصلی راهبرد تنوع‌سازی عمان است. عمان با استفاده از فنون پیشرفته بازیافت نفت، درصدد است تولیدات نفتی خود را افزایش دهد که این امر به این کشور اجازه می‌دهد زمان بیشتری برای تنوع‌سازی داشته باشد و افزایش قیمت جهانی نفت حکومت را قادر می‌سازد منابع مالی بیشتری را در بخش‌های غیرنفتی سرمایه‌گذاری کند. در جدول شماره یک می‌توان خلاصه‌ای از آنچه در بالا بدان اشاره شد به همراه برخی اضافات دیگر، ملاحظه کرد. همان‌گونه که به وضعیت کشورهای فوق در حال حاضر پرداخته شده است، موارد مزبور نشان از تلاش این دولت‌ها به سوی اقتصاد باز دارد و این امر میسر نبوده به‌جز آنکه پدیده جهانی‌شدن را به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده در سطح تحلیل وارد نمود. به‌عبارت دیگر، جهانی‌شدن یا به‌عبارتی فشار ناشی از پدیده جهانی‌شدن موجب شده است در

سال‌های اخیر کشورهای این منطقه سعی نمایند اقتصاد و به‌طور کلی شرایط اقتصادی خود را تا حد امکان در راستای اقتصاد جهانی به پیش برند. اگرچه رسیدن به سطح مطلوبی از طرازهای جهانی شدن اقتصاد کار دشواری برای دولت‌های منطقه است، نباید به بهانه این امر تغییر در سطوح یا شاخص‌های مختلف اقتصادی منطقه و تلاش دولت‌مردان حاکم بر آنها را نادیده گرفت. با این نظر در ادامه به‌طور مبسوط تاثیر جهانی شدن بر اقتصاد دولت‌های این منطقه و چگونگی روند گذار را بررسی خواهیم کرد.

جهانی شدن و روند گذار به اقتصاد باز

افزایش رشد تجاری این کشورها، چیزی است که از نظر نگارندگان این مقاله مهم به نظر می‌رسد و آن را مورد تاکید قرار می‌دهند. این امر واقعیت دارد که مسایل مربوط به آزادسازی تجاری، خصوصی‌سازی و دیگر اصولی که مربوط به جهانی شدن اقتصاد است، نسبت به GDP رشد چندانی نداشته و در برخی از مواقع کاهش یافته است. اما آنچه مهم به نظر می‌رسد، این است که طبق آمارهای موجود، مطابق با شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد از جمله آزادسازی تجاری، خصوصی‌سازی و ... بدون در نظر گرفتن GDP در طول دو دهه قبل افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته که نتیجه این امر آن است که از یک سو رابطه اقتصادی جوامع خلیج فارس با جامعه جهانی افزایش یافته و از سوی دیگر، اقشار و طبقات مختلف این کشورها نسبت به قبل در جامعه حضور بیشتری یافته‌اند و اگر بخواهیم تفسیر تنگ‌نظرانه‌ای از این امر داشته باشیم، دست‌کم این به معنی تقویت و افزایش حضور مردم در اقتصاد و کاهش نسبی نقش دولت در جامعه می‌باشد.

سازمان تجارت جهانی به‌عنوان نماد هم‌گرایی جهانی سازمانی است که کشورهای دنیا به‌منظور تجارت بهتر و عادلانه، چرخش سرمایه و ... در آنها عضو می‌شوند. بر اساس اطلاعات موجود در وب سایت رسمی سازمان تجارت جهانی، تمام شش کشور عربی منطقه خلیج فارس و به‌عبارتی بهتر شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان نماد همکاری سیاسی و اقتصادی منطقه، در سازمان تجارت جهانی به‌عنوان عضو اصلی حضور دارند و بر اساس این اطلاعات کشورهای

بحرین و کویت (۱ ژانویه ۱۹۹۵)، قطر (۳ ژانویه ۱۹۹۶)، امارات متحده عربی (۱۰ آوریل ۱۹۹۶)، عمان (۹ نوامبر ۲۰۰۰) و عربستان سعودی (۱۱ دسامبر ۲۰۰۵) به ترتیب طی تقریباً یک دهه گذشته به این سازمان ملحق شده‌اند. ایران در سال ۱۳۷۶ در اجلاس سنگاپور تقاضای عضویت در این سازمان را مطرح کرد، اما مخالفت شدید امریکا باعث عدم تحقق اجماع نظر شد. در سال ۲۰۰۱ سازمان تجارت جهانی یکبار دیگر عضویت ایران را مورد بررسی قرار داد که دوباره با مخالفت شدید امریکا مواجه گردید. البته بدیهی است که آزادسازی تجاری، حذف یارانه‌ها و موانع تعرفه‌ای و گمرکی، آزادسازی نرخ ارز و بهره و ... از جمله پیش شرط‌های ورود به سازمان تجارت جهانی است که متأسفانه در حد بسیار ناچیزی در ایران محقق گشته است.^۶

بنابراین تلاش کشورهای حوزه خلیج فارس یکی دو دهه قبل برای ورود به این سازمان از یک سو و عملکرد آنها در درون کشورهای خود در راستای اهداف سازمان تجارت جهانی (که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد) از سوی دیگر، نشان‌دهنده عزم آنها برای تسهیل شرایط بهتر برای ورود به عرصه اقتصاد جهانی است.

آزادسازی تجاری

یکی از برنامه‌های سیستم تجاری سازمان تجارت جهانی برای کشورها، این است که موانع تجاری کشور خود را به حداقل کاهش دهند تا بتوانند از جریان تجارت آزاد راحت‌تر بهره‌مند شوند. به هر حال کشورها از منافع افزایش تجارت که بر اثر کاهش موانع تجاری حاصل می‌شود، سود بیشتری خواهند برد و اینکه چگونه کشورها موانع تجاری خود را کاهش خواهند داد، موضوعی است که کشورهای عضو بر سر آن با یکدیگر چانه‌زنی خواهند کرد.

اوایل دهه ۱۹۹۰ شروع آزادسازی تجاری در کشورهای خلیج فارس بود. امارات قریب نیمی از صادراتش از منابع غیرنفتی تامین می‌شود. بحرین توانسته است ساختارهای خود را تحرک داده و با نیازهای تجاری بین‌المللی و منطقه‌ای مطابقت دهد. دولت بحرین همچنین نقش فعالی در فرآیند صنعتی شدن کشور بازی نموده است. دولت این کشور توانسته سرمایه‌ها و همکاری لازم برای ایجاد صنایع آلومینیم، پتروشیمی و سایر صنایع را جلب نماید. حکومت بحرین در راستای

این سیاست، جو و فضای لازم را برای سرمایه‌گذاری فراهم نمود و معافیت‌های گمرکی و مالیاتی و آزادی کامل انتقاد سرمایه برای سرمایه‌گذاران خارجی را به‌وجود آورده است.^۷ بر اساس ده متغیری که بنیاد هریتیج برای آزادسازی تعریف کرده (آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، معافیت مالیاتی، اندازه دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادسازی مالی، حقوق مالکیت، رهایی از فساد، و آزادی در نیروی کار)، آزادسازی کشورهای خلیج فارس به‌گونه‌ای است که در جدول شماره دو آمده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌کنیم برخی از این کشورها در رتبه بندی آزادسازی در جهان، از جایگاه نسبتاً خوبی برخوردارند، اما جایگاه ایران با فاصله خیلی زیاد از کشورهای منطقه و حتی جهان است؛ زیرا در ایران اقتصاد در انحصار دولت است و این به‌رغم برنامه‌هایی است که بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی به‌مورد اجرا گذاشته شده است.

جذب سرمایه‌گذاری خارجی (FDI)

جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) از دیگر مولفه‌های جهانی شدن به‌شمار می‌آید. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یعنی ورود سرمایه از کشورهای دیگر به کشور. سرمایه‌گذاری خارجی دو امتیاز اساسی دارد: نخست اینکه ریسک را سرمایه‌گذار و نه دولت میزبان می‌پذیرد؛ و دیگر اینکه، یکی از مسایل مهم کشورهای در حال توسعه انتقال فناوری است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ماهیتاً نیازمند انتقال فناوری است.^۸ یکی از دلایل و شاید مهم‌ترین علت گردش سرمایه یا به‌عبارت دیگر سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر، به شرکت‌های چندملیتی بر می‌گردد که تأثیر بسزایی بر این پدیده دارند. به‌عبارت دیگر، این شرکت‌های چندملیتی هستند که دارایی‌های خود را در کشورهای دیگر (یا میزبان) سرمایه‌گذاری می‌کنند و موجبات گردش سرمایه را پدید می‌آورند.

کمیسیون ملل متحد در مورد قانون تجارت بین‌الملل شرکت‌های بین‌المللی را این چنین تعریف کرده است: شرکت‌های چندملیتی شامل شرکت‌هایی می‌گردد که از طریق شعب فرعی، شاخه‌ها، شرکت‌های وابسته با سایر سازمان‌ها و امور بازرگانی یا سایر فعالیت‌های اقتصادی در

کشور میزبان دخالت دارند، ولی کنترل یا تصمیم‌گیری آنها در کشور یا کشورهای دیگر که کشورهای مادر خوانده می‌شوند، متمرکز است.^۹

از مهم‌ترین عوامل پیشرفت جهانی‌شدن اقتصاد، نقش روزافزون شرکت‌های چند ملیتی و مجموعه‌ای از شرکت‌های صنعتی، خدماتی و اطلاع‌رسانی با فعالیت‌های متنوع است که فارغ از محدوده‌های جغرافیایی شکل می‌گیرد و بدون تبعیت از مردم یا منطقه جغرافیایی خاص و یا سیاست‌های دولت فعالیت می‌کند. تمام این موارد حکایت از کاهش دخالت دولت‌ها در جهت‌گیری‌های تجاری، مالی و اقتصادی جهان در این شرایط دارد.

به عقیده فرانس بو، شرکت‌های همه کشورها از دیرباز در پاسخ به ضرورت دوگانه گسترش و رقابت در هر جایی که توانسته‌اند سود و بهره‌وری بیشتری کسب کنند، پرچم خود را برافراشته‌اند. جهانی‌شدن مالی؛ یعنی گردش آزاد سرمایه‌ها و عدم نظارت بر مبادله‌های تجاری، شرایط مساعدی برای راهبرد توسعه این شرکت‌ها فراهم آورده است.^{۱۰}

خلیج‌فارس نیز در طول دو دهه اخیر، به‌خصوص کشورهای امارات، بحرین و عربستان، قادر بوده است از طریق سیاست‌هایی که در پیش گرفته، موجبات توجه و ورود این شرکت‌ها را جلب نماید. تعامل با اقتصاد جهانی یک تصمیم سیاسی است که از روی عقلانیت اقتصادی صورت می‌گیرد. بعضی از کشورهای منطقه در این راستا عملکرد قابل توجهی داشته‌اند؛ به‌طور مثال، امارات متحده عربی در صادرات غیرنفتی گام‌های مهمی برداشته است. در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عربستان در رتبه اول منطقه قرار دارد، اما ایران توانسته است به اندازه قطر با جمعیتی حدود ۷۰۰ هزار نفر FDI جذب کند. در آزادسازی اقتصادی کویت در جایگاه ۳۹ جهان و در رتبه اول منطقه قرار دارد و ایران در رتبه ۱۵۱ جهان و در رتبه آخر منطقه و این نشان می‌دهد که ایران کمترین تعامل را با اقتصاد جهانی دارد. طبق گزارش انکتاد (سال ۲۰۰۷) در مورد سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای خلیج‌فارس (جدول شماره سه)، در سال ۲۰۰۶ نسبت به دهه ۱۹۹۰ سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورها افزایش چندین برابری داشته است. عربستان از ۲۴۵ میلیون دلار در سال‌های دهه نود به ۱۸۲۹۳ میلیون دلار (۷۰ برابر) افزایش داشته است. دیگر کشورها همچون قطر، کویت و ... از لحاظ سرمایه‌گذاری خارجی افزایش داشته‌اند.

خصوصی سازی با دولت منبسط

خصوصی سازی در دهه ۱۹۸۰ به عنوان یکی از اشکال مهم اصلاح نظام اداری به پدیده‌ای جهانی تبدیل شد. کشورهای آلمان، استرالیا، ایتالیا، ژاپن، کانادا، هلند، نیوزیلند، اسپانیا و انگلستان نمونه‌هایی از تجربه‌های موفق خصوصی سازی را در این سال‌ها اجرا کرده‌اند،^{۱۱} که این امر موجب تشویق دیگر کشورها برای به کار بستن فرآیند خصوصی سازی در راستای توسعه‌شان بود. به طور کلی خصوصی سازی به معنای کاهش حجم دولت در اقتصاد، واگذاری مدیریت بخش‌هایی از اقتصاد به مردم و ورود مردم به حوزه فعالیت‌های رقابتی است. از طرف دیگر، در مساله خصوصی سازی سه هدف اساسی مورد التفات قرار می‌گیرد: الف. بهبود در کارایی فعالیت‌های اقتصادی؛ ب. گسترش رقابت در بازار؛ و ج. گسترش ظرفیت اقتصاد داخلی برای پیوستن به اقتصاد جهانی. اما مشکلی که بر سر راه تحقق این امر بوده، دولت منبسط بوده است. دولت‌های منبسط یا دولت‌های نفتی (یا رانتیر) منطقه به دلیل اتکای بیش از پیش به نفت حجم زیادی در اقتصاد را در اختیار دارند. در واقع درآمدهای نفتی استقلال غیرعادی اقتصادی و سیاسی دولت را از نیروهای مولد و طبقات اجتماعی فراهم می‌آورند. این عواید نفتی به دولت انعطاف‌پذیری بسیار زیادی در پرداخت‌ها می‌بخشد: این پول مالیات‌دهندگان نیست تا دولت در مورد چگونگی خرج کردن آن ملزم به پاسخگویی باشد، در واقع این امر روند کاهش نقش دولت و ورود آن به عرصه جهانی را با مشکلاتی مواجه می‌کند. اما طبق آمارهای که در این مقاله به ذکر آن پرداخته شده، شواهد حاکی از آن است که هرچند دولت‌های خلیج فارس به دلیل افزایش قیمت نفت از حجم آنان (نسبت به GNP) به میزان قابل توجهی کاسته نشده، اما آنچه حایز اهمیت است آن است که دولت‌های خلیج فارس فرآیند خصوصی سازی را شروع کرده و در تلاش به منظور کاهش نقش خود در مسایل اقتصادی جامعه هستند؛ که البته این امر بدون زمینه و بسترهایی لازم مهیا نمی‌شود. از جمله، فشار ناشی از جهانی شدن از یک سو و تلاش برای کاهش فساد اداری، کاهش حجم بوروکراسی دولتی، فشار از لایه‌های مختلف جامعه به منظور حضور در فرآیند و چرخه اقتصادی جامعه و ... از سوی دیگر را می‌توان از جمله دلایل و بسترهای این امر ذکر کرد.

در واقع، سه شاخص قبلی به موازات کاهش نقش دولت در بخش اقتصاد صورت می‌گیرد که هرچند به دلیل افزایش قیمت نفت در سال‌های اخیر دولت به لحاظ هزینه کردن در جامعه هزینه‌های بیشتری را بر عهده گرفته اما تقویت و رشد بخش‌های خصوصی، افزایش جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و آزادسازی تجاری در این کشورها از جمله مسایلی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

کشورهای خلیج فارس در دهه نود با شروع عصر جهانی و پدید آمدن بازار رقابتی در جهان آغاز به یک سری فعالیت‌ها در جوامع خود به منظور توسعه و پیشرفت نمودند. به عنوان مثال در مورد عمان یکی از برنامه‌های «دیدگاه ۲۰۲۰» و برنامه پنج‌ساله ۲۰۰۰-۱۹۹۶ اقدام برای سرمایه‌گذاری بخش‌های دولتی و خصوصی در طرح‌های مشترک پتروشیمی و صنعت گاز طبیعی عمان بوده است. خصوصی‌سازی در کشورهای عربستان، کویت و امارات با مقاومت حکومت‌ها مواجه شده، ولی با این حال موضوع خصوصی‌سازی به وسیله نخبگان اقتصادی به‌ویژه از اواخر دهه ۱۹۸۰ در کشورهای مذکور افزایش یافته است. به طور مثال عربستان بخشی از سهام «شرکت صنایع اساسی عربستان سعودی» را که با سرمایه‌گذاری کلان انجام شده، در بازار به فروش رساند.^{۱۲} فروش سهام این شرکت و سایر شرکت‌های دولتی عربستان به سرمایه‌گذاران خصوصی، بیانگر دگرگونی اساسی در خط‌مشی اقتصادی حکومت سعودی محسوب می‌شد. حکومت کویت نیز در ژوئن ۱۹۹۳ اعلام داشت که بیشتر سهام خود را در شرکت‌هایی که تحت مالکیت دولت هستند، به فروش می‌رساند. در ایران هرچند حدوداً از سال ۱۳۷۰ تصور کارآمدتر شدن شرکت‌ها در صورت واگذاری به بخش خصوصی، برنامه خصوصی‌سازی را در برنامه‌های توسعه گنجانده است. به شکلی که از سال ۷۰ که کار خصوصی‌سازی در سطح کشور ایجاد شد، معادل ۲۸۰۰ میلیارد تومان سهام به بخش خصوصی واگذار شده است.^{۱۳} اما موضوع خصوصی‌سازی در سال ۱۳۸۲ بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی مورد پیگیری مقامات عالی رتبه ایران قرار گرفته است.

به‌طور کلی طبق آمار سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ برخی از آمارها راجع به فعالیت بخش خصوصی (جدول شماره چهار) حاکی از افزایش و گسترش نقش بخش خصوصی در برخی از

مسایل مهم زیربنایی اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس است. علاوه بر موارد و آمارهای مذکور، یکی از مسایل مهمی که در کشورهای کمتر توسعه یافته در مورد خصوصی سازی مورد توجه قرار می گیرد، اعتبارات داخلی است که برای بخش خصوصی اختصاص داده می شود.

اعتبار داخلی برای بخش خصوصی

اعتبار داخلی برای بخش خصوصی به منابع مالی تهیه شده برای بخش خصوصی اشاره دارد؛ همچون از طریق وام، خریداری کردن وثیقه های غیر قرضه، و اعتبارات تجاری و دیگر حساب های قابل دریافت - که ادعایی برای بازپرداخت ها ایجاد نمی کند. چنین مطالباتی برای بعضی از کشورها شامل اعتبار بخشی به بنگاه های بخش عمومی هم می شود^{۱۴} که توسط بانک جهانی به منظور محیط داخلی کشورها برای حضور بخش خصوصی در نظر گرفته می شود. (جدول شماره پنج) اعتبار داخلی برای بخش خصوصی شاخص مهمی برای نشان دادن محیط داخلی به منظور علاقه مندی بخش خصوص به فعالیت می باشد. آمارها حاکی از آن است که کشورهای نفتی حاشیه خلیج فارس حتی در مقایسه با مثلاً چین به عنوان یک کشور در حال توسعه جایگاه مناسبی ندارند و در این زمینه کارهای زیادی را در پیش دارند، اما مهم آن است که در طی سال های گذشته این اعتبارات بیشتر شده و در آینده زمینه فعالیت بخش خصوصی را آماده تر خواهد ساخت.

در پایان این بخش، سوالی که درصدد پاسخ بدان هستیم آن است که فرآیند جهانی شدن اقتصاد (با توجه به شاخص های مافوق) چه تاثیری بر حضور شهروندان در جامعه (یا تقویت جامعه در مقابل سیاست) و در نتیجه تقویت حاکمیت ملی دارد؟ همان گونه که در ذیل خواهد آمد، بررسی مبحث مذکور از این نظر حایز اهمیت است که گذار به اقتصاد باز باعث حضور بیشتر شهروندان در جامعه و در نتیجه کاهش نقش دولت است و از سوی دیگر، همین حضور بیشتر شهروندان خود باعث ایجاد بستر، زمینه و فرهنگ مناسب برای گذار به اقتصاد باز است؛ به عبارت دیگر چرخه باز شدن اقتصاد موجب حضور شهروندان و این امر نیز موجب ایجاد زمینه برای بازتر شدن اقتصاد، تداوم خواهد داشت؛ در این چرخه حضور شهروندان در جامعه و اقتصاد جامعه

نیازمند حرکت به سوی اقتصاد باز است که این حضور به گسترش جامعه مدنی، گسترش مشارکت مردم و تقویت حاکمیت ملی و ... کمک می کند و از سوی دیگر خود زمینه حرکت به سوی اقتصادی بازتر در راستای چشم انداز اقتصاد جهانی می باشد.

از طرف دیگر، یکی از مسایلی که گریبان گیر کشورهای کمتر توسعه یافته و نیز کشورهای خلیج فارس است، فساد اداری می باشد. فساد اداری برای یک جامعه و سیاست آن اثرات مخرب و مضری را به همراه می آورد؛ چرا که فساد اداری موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده طلبی ها و نیز باعث قطع امید به آینده ای بهتر شده و «مشروعیت اخلاقی دولت» را زیر سوال می برد و در نتیجه سبب کاهش اعتماد عمومی و مقبولیت اجتماعی حکومت می گردد.

خصوصی سازی یکی از راهکارهای اساسی برای جلوگیری از فساد اداری است که بانک جهانی مطرح نموده است؛ به عبارت دیگر بانک جهانی از جمله نهادهای بین المللی است که خصوصی سازی را به عنوان یکی از موثرترین روش ها برای کاهش فساد اداری در کشورهای در حال توسعه پیشنهاد نموده و معتقد است برای مبارزه با فساد اداری بهتر است تعداد کمتری مسئول دولتی با حقوق و مزایای کافی، فقط آن اموری را مدیریت کنند که واقعا نیازمند کنترل دولتی است و از قابلیت کنترل نیز برخوردار است. در واقع ایده اصلی در تفکر خصوصی سازی این است که فضای رقابت و سیستم حاکم بر بازار، بنگاه ها و واحدهای خصوصی را مجبور می سازد عملکرد کارآمدتری نسبت به بخش دولتی داشته باشند.

به طور کلی هدف از خصوصی سازی عبارت است از: ۱. کاستن از بار مالی دولت و آزادسازی منابع عمومی؛ ۲. افزایش کارایی و بهره وری منابع مادی و انسانی؛ و ۳. تشویق و گسترش مشارکت شهروندان در فعالیتهای اقتصادی و سیاسی.

بنابراین خصوصی سازی باعث ورود اقشار مختلف مردم به صحنه تصمیم گیری جامعه، تقویت جامعه مدنی، کاهش فساد و نقش دولت و ... می شود. از سوی دیگر، جذب سرمایه های خارجی اثرات مثبت و متعددی دارد؛ عمده ترین اثرات جریان سرمایه که شرایط لازم برای جهانی شدن را بازی کرده است، می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. باعث رقابت میان مناطق شده و فضای سرمایه‌گذاری بهتری را ایجاد کرده است؛
 ۲. باعث رقابت میان ملت‌ها شده تا خواستار اقتصاد آزاد باشند و از طریق خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و آزادسازی، فضای اقتصادی بهتری را فراهم آورند؛ و
 ۳. رقابت ایجاد شده در جهت ایجاد فضای بهتر دموکراسی در کشورها بوده است.
- تجارت آزاد (یا آزادسازی تجاری) به عنوان ابزاری قدرتمند می‌تواند مشاغل زیادی ایجاد کند و فقر را کاهش دهد. ارتباط بین «تجارت» و «برابری» نیز همین‌گونه است. در شرایطی که هنوز ۱/۵۱ میلیارد نفر در جهان از فقر رنج می‌برند و برخلاف تصور خیلی‌ها که آزادسازی تجارت جهانی باعث شکاف بین کشورهای غنی و فقیر شده و فقر را افزایش داده است، براساس تحقیقات بانک جهانی، آزادسازی تجارت بعد از جنگ جهانی دوم توانسته میلیاردها نفر را از فقر نجات دهد، لذا این حقیقت ندارد که آزادسازی تجارت، نابرابری را افزایش داده است؛ چرا که تجارت روان، آزاد و پایدار توسعه اقتصادی را به دنبال دارد. بیشترین ذی‌نفعان در سازمان تجارت جهانی، کشورهایی هستند که سریع‌تر موانع تجاری خود را کاهش دهند و کارکنان مشاغل در امر صادرات از درآمدهای بیشتری در این زمینه برخوردار خواهند شد. از طرفی، آزادسازی تحت سیستم سازمان تجارت جهانی حاصل مذاکرات است و کشورهایی که احساس می‌کنند نمی‌توانند بسترسازی لازم را در یک بخش خاص انجام دهند، می‌توانند آن بخش از بازار خود را بسته نگه دارند. بنابراین، کشورهای نفتی راه طولانی برای رسیدن به این اهداف دارند که اولین آن کاهش حجم دولت و نه مسئولیت آن، افزایش کارآمدی به همراه گسترش فضای خصوصی است. از دیدگاه بانک جهانی برخلاف همه مناطق جهان به استثنای آفریقا، درصد مبادلات تجاری این منطقه نسبت به تولید پایین آمده است.^{۱۵}

نتیجه‌گیری

بررسی اوضاع اقتصادی کشورهای عربی خلیج فارس و ویژگی‌های آنها نشان داد که این کشورها اگر مصداق بارز دولت‌های رانتیر نباشند، بسیار نزدیک به الگوی تحلیل نگارندگان هستند. همچنین مشخص شد جهانی‌شدن در چهار بعد کاهش حجم دولت، آزادسازی

اقتصادی، خصوصی سازی، و جذب سرمایه گذاری های خارجی، اقتصاد منطقه را تحت الشعاع قرار داده است.

آمارهای آزادسازی و تلاش برای خصوصی سازی به خوبی حاکی از تاثیرات جهانی شدن است. کشورهای منطقه با این اوصاف در یک حالت دوگانه ای قرار گرفته اند؛ تکیه بیش از حد بر درآمدهای نفتی و وجود رژیم های متمرکز از یک سو و تلاش برای همسویی با تحولات جهانی شدن این دو پاره گی اقتصادی را تشدید خواهد کرد؛ چرا که اگر یک دولت اقتصادی بخواهد با این تحولات جهانی هم سو شود به ناچار باید قواعد بازی آن را نیز رعایت کند. این رژیم ها نمی توانند از یک سو خود اقتصاد جامعه را در دستان خود قرار داده و بیشترین بودجه های کشوری آنها متکی به درآمدهای نفتی باشد و از سوی دیگر به سمت اقتصاد باز پیش بروند. به ناچار بایستی یکی از این دو راه را طی نمایند.

نکته مهم این است که خصوصی سازی در این نوع جوامع بیشتر از آنکه در راستای آزادسازی اقتصادی باشد، به سمت مخصوص سازی پیش می رود و با تشکیل نهادهای فرادولتی در این جوامع یک طبقه نوظهور اقتصادی رشد خواهد کرد که هرچند نمایی از یک اقتصاد باز دارد، از درآمدهای سرشار نفتی و حمایت های دولتی در جهت حذف رقبای اقتصادی خود استفاده می نماید. پیشنهاد این پژوهش این است که دولت هایی از این قبیل، اگر درصدد رسیدن به یک وضعیت آزاد اقتصادی هستند، بایستی اجازه دهند در بازی اقتصادی خود رقابت سالم بین نهادهای اقتصادی و بدون دخالت دولت شکل بگیرد؛ چرا که دخالت دولت موازنه بازی را به هم زده و گروه هایی می توانند در این نوع اقتصادها به منافع زیادی دست یابند که وابستگی خاصی به دولت مرکزی داشته باشند. این امر باعث می شود نه تنها دولت رانتیر مورد نظر ما همچنان باقی بماند، بلکه هرچه بیشتر این دولت منبسط تر خواهد شد. وجود نهادهای شبه دولتی در این گونه جوامع بیشترین خطر برای شکل دادن به یک اقتصاد سالم خواهد بود.

جدول ۱: چشم اندازی از وضعیت اقتصادی کشورهای عرب خلیج فارس

کشور	تولید ناخالص داخلی (GDP)		سرمایه گذاری (Invest ment gross fixed)	تولیدات کشاورزی (Agriculture-products)	تولیدات نفتی (Oil-production (bbl/day))		صادرات نفتی (Oil - exports (bbl/day))	کل صادرات (exports)		کل واردات (Imports)	
	۲۰۱۰	۲۰۰۹			۲۰۰۹	۲۰۰۷		۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۱۰
کویت	\$۱۳۹.۸ billion	\$۱۴۴.۳ billion	۱۳.۸% of GDP	ماهی	۲.۴۹۴ million bbl/day	۲.۳۴۹ million bbl/day	\$۵۰.۳۴ billion	\$۶۵.۰۳ billion	\$۱۷.۰۸ billion	\$۲۰.۳۶ billion	
بحرین	\$۲۸.۷ billion	\$۲۹.۸۲ billion	۲۶.۶% of GDP	میوه، سبزیجات، ماهی مرغ، محصولات لبنی، میگو، ماهی	۴۸,۵۶۰ bbl/day	۲۳۸,۳۰۰ bbl/day	\$۱۲.۰۵ billion	\$۱۵.۱۳ billion	\$۹.۶۱۳ billion	\$۱۲.۱۴ billion	
عربستان	\$۵۹۹.۷ billion	\$۶۲۲.۵ billion	۲۴.۵% of GDP	گندم، جو، گوجه فرنگی، خربزه، خرما، مرکبات، گوشت گوسفند، مرغ، تخم مرغ، شیر	۹,۷۶۴ million bbl/day	۸,۷۲۸ million bbl/day	\$۱۹۲.۳ billion	\$۲۳۵.۳ billion	\$۸۷.۱ billion	\$۹۹.۱۷ billion	





کشور	تولید ناخالص داخلی (GDP)		سرمایه گذاری (Investment gross fixed)	تولیدات کشاورزی (Agriculture-products)	تولیدات نفتی (Oil-production (bbl/day))	صادرات نفتی (Oil-exports (bbl/day))	کل صادرات (exports)		کل واردات (Imports)	
	۲۰۰۹	۲۰۱۰					۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۱۰
امارات	\$۱۹۴.۷ billion	\$۱۹۹.۸ billion	۲۶.۸% of GDP	خرما، سبزیجات، هندوانه، مرغ، تخم مرغ، محصولات لبنی، ماهی	۷۷۹۸ million bbl/day	۲.۷ million bbl/day	\$۹۹۲.۲ billion	\$۱۹۵.۸ billion	\$۱۵۰ billion	\$۱۵۹ billion
قطر	\$۱۰.۳ billion	\$۱۲۲.۲ billion	۳۳% of GDP	میوه ها، سبزیجات، مرغ، محصولات لبنی، گوشت گاو، ماهی	۱.۲۱۳ million bbl/day	۷۵۳,۰۰۰ bbl/day	\$۳۳.۲۸ billion	\$۵۷.۸۲ billion	\$۲۰.۸۹ billion	\$۲۲.۳۸ billion
عمان	\$۷۲.۸۷ billion	\$۷۶.۵۳ billion	۲۶.۳% of GDP	خرما، لیمو ترش، موز، پونه، سبزیجات، شیر، گاو، ماهی	۸۱۶,۰۰۰ bbl/day	۵۹۳,۷۰۰ bbl/day	\$۲۷.۶۵ billion	\$۳۶.۱۲ billion	\$۱۶.۱۳ billion	\$۱۹.۳ billion

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱

جدول شماره ۲: شاخص آزادسازی اقتصادی در کشورهای حاشیه خلیج فارس

رتبه در جهان	رتبه در منطقه	درصد آزادسازی	کشورها
۳۹	۱	۶۸.۳	کویت
۶۰	۲	۶۲.۸	عربستان سعودی
۶۳	۳	۶۲.۸	امارات متحده عربی
۶۶	۳	۶۲.۲	قطر
۱۵۱	۴	۴۴	ایران
Not Ranked	Not Ranked	Not Ranked	عراق

Source: <http://www.heritage.org/research/features/index/countries.cfm>

Millions of dollars and percentages

جریان FDI	1990 -2000 (average)	2003	2004	2005	2006
عربستان	245	778	1942	12097	18293
ایران	4	390	382	360	901
عراق	-	-	300	515	272
کویت	58	-67	24	250	110
قطر	169	625	1199	1152	1786

Source: UNCTAD, World investment Report 2007(www.unctad.org/wir or www.unctad.org/fdististics)

جدول شماره ۴: سرمایه گذاری در پروژه های زیربنایی با مشارکت بخش خصوصی (میلیون دلار)

	مخابرات		انرژی		حمل و نقل		آب و بهداشت	
	۱۹۹۵-۹۹	۲۰۰۰-۵	۱۹۹۵-۹۹	۲۰۰۰-۵	۱۹۹۵-۹۹	۲۰۰۰-۵	۱۹۹۵-۹۹	۲۰۰۰-۵
کشورها								
ایران	۲۸	۶۹۵		۶۵۰				
عراق		۹۸۴						
عربستان		۸۵۳۷			۵۵	۱۹۰		۵۲
کویت								
امارات								

Private sector in the economy Source: World Development Indicators 2007

جدول شماره ۵: اعتبار داخلی برای بخش خصوصی

اقتصادها	% of GDP اعتبار داخلی برای بخش خصوصی	
	۱۹۹۰	۲۰۰۵
ایران	۳۳.۸	۴۰.۹
عراق	۰.۰	۰.۰
عربستان سعودی	۵۴.۷	۵۳.۹
کویت	۵۲.۱	۶۳.۱
امارات متحده عربی	۳۸	۶۰.۹

Private sector in the economy Source: World Development Indicators 2007

پاورقی‌ها:

۱. داوود نادمی، «دیدگاه‌های موافقان و مخالفان جهانی‌شدن»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۶۸-۲۶۷، آذر و دی ۱۳۸۸، ص. ۱۴۴.
۲. محمد طیبیان، «رانت اقتصادی به‌عنوان یک مانع اقتصادی»، *برنامه و توسعه*، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۱، ص ۳.
۳. قدرت احمدیان، «جهانی‌شدن و اقتصاد سیاسی ایران»، (پایان‌نامه دکتری رشته روابط بین‌الملل دانشگاه تهران)، تابستان ۱۳۸۰، ص. ۲۰۲.
۴. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به:
<http://www.fara.ir/blogfa/?newsid=441>
۵. محمدعلی امامی، *عوامل تاثیرگذار داخلی در خلیج‌فارس*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۰، ص. ۲۷۵.
۶. عبدالله عبدالحی، «جایگاه ایران در فریند جهانی‌شدن»، *مجله سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۳۷، آذر و دی ۱۳۷۷، صص ۲۶۵-۲۶۶.
۷. جفری نوگت و تئودور توماس، *بحرین و خلیج‌فارس*، ترجمه همایون الهی، تهران: نشر قومس، بهمن ۱۳۶۹.
۸. سیدرسول حسینی کرانی، «مقایسه تعامل ایران و عربستان با فرآیند جهانی‌شدن اقتصاد»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۶۷-۲۶۸، آذر و دی ۱۳۸۸، ص. ۱۶۳.
۹. آیت مولایی، «تاثیر جهانی‌شدن بر حاکمیت ملی دولت‌ها»، (پایان‌نامه رشته روابط بین‌الملل دانشگاه تهران)، تیرماه ۱۳۸۰، ص. ۱۰۳.
۱۰. ماری فرانس بو، «جهانی‌شدن بازار»، *مجله پیام یونسکو*، شماره ۳۱۸، ۱۳۷۵، ص. ۳۲.
۱۱. سیدمحمود حسینی، «خصوصی‌سازی: موانع و راهبرها»، *پیام مدیریت*، شماره ۱۵ و ۱۶، تابستان و پاییز ۱۳۸۴، ص. ۹۲.
12. Gregory. F. Gause, *Oil Monarchies*, New York. Council on Foreign Relations Press, 1994, p. 53.
۱۳. ابراهیم رزاقی، «نقدی بر خصوصی‌سازی ایران»، *موسسه خدمات فرهنگی رسا*، ۱۳۷۴.
۱۴. حسین پوراحمدی و سید رسول حسینی کرانی، «ژئوپلیتیک کشورهای نفتی خلیج‌فارس و چالش‌های جهانی‌شدن اقتصاد (ایران، عربستان، کویت، امارات متحده عربی، قطر و عراق)»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص. ۱۲۴.
۱۵. فرهی، «دیدگاه بانک جهانی در مورد شرایط اقتصادی خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال ششم، شماره یک، بهار ۱۳۷۸، ص. ۱۵۲.